

شرح حال مرحوم میرزای قمی (رضوان الله علیه)

حکیم الربانی مولی علی نوری . صاحب کتاب روضات الجنات در باره او مینویسد . الحکیم الربانی والفهیم الایمانی والنور الشعشعانی مولانا علی بن المولی جمشید النوری المازندرانی - از حکماء متدین و علماء متشرع و معروف به حکمت الهی بوده و در مراتب حکمت بر جمیع امثال و اقرانش برتری داشت اعتقادی نیک و اجتهادی نیکو داشت و مواظب بر سنن و آداب مانوره بود - خیلی محتاط بود و مواظب صورت و معنی - سپس مینویسد که بین او و بین میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین قدس سره در مطالب مهمه مراسلات و مکاتبات زیادی بود و در کتاب اجوبة المسائل مشهور است - حکیم مزبور تألیفات شریفه ای در حکمت و کلام و تحقیقات تازه ای در معارف فقه و اصول اسلام دارد و رسائل مختلفی دارد که از آن جمله تفسیر معروف به سوره توحید است .

صاحب کتاب قصص العلماء مینویسد : آخوند ملا علی نوری شنید که میرزای قمی او را تکفیر کرده آخوند بلافاصله سوال شد در این باره و میرزا آمد در صحن سرای میرزا ایستاد گفتند بنشین گفت تا من تصحیح اعتقاد خویش نکنم نمینشینم پس میرزا بیرون آمد و آخوند بنشست و گفت که عقاید من اینست آیا چه صورت دارد؟ میرزا فرمودند که خوبست من شما را تکفیر نکرده ام مردم دروغ گفته اند .

مکاتباتی بین مرحوم میرزا و آخوند رد و بدل شده چون بسبک مخصوص است و دارای شیوه لطیفی هست لذا برای مزید اطلاع عیناً از کتاب جامع الشتات مرحوم میرزا نقل میشود :

صورت مکتوب عالیجناب مقدس القاب قدسی قباب فضائل مآب زبدة العلماء العارفين و قدوة الفضلاء الالهمین صاحب الصفات الحسنة و جامع الملكات المستحسنة الصفی

الوفی الزکی مولانا المشفق ملا علی النوری کثر الله علیه احسانه و افاض علیه بره و امتنانه
بسم الله الرحمن الرحیم - مخلص مهجور مشتاق از فیض خدمت دور بموقف
عرض واقفان حضور سعادت گنجور میرساند که کثر الله تعالی فی سبيله اعوانه و انصاره و
عظم الله سبحانه فی ارضه قدره و اعتباره از پس عرض دعای معری از ریاضه میدارد که هر چند
جام جهان نما است ضمیر منیر دوست اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجت است
اما حقاً و بعزّة الله تعالی که خدا آگاه و گواه حال این مخالفت اکتناه و شاهد این
مقال صدق اشتمال است که این عقیدت سگال در تمثال نسبت بآن صاحب عدیم المثال مثال
سلامان نسبت به ابسال است

غافل مشو از حال من بی سرو سامان
من باتو چنانم که به ابسال سلامان
مشتاقم و دورم غم جان کاشم از اینست
مشتاق تران دورترند آهم از اینست
(والطور و کتاب مسطور) که پور عمران در آن این مخالفت دستور عمرهاست
که موسی آساطالب خدمت آن شعیب از عیب معری میباشد هر چند بطور طلب در عین
احتیاج میشتابد بغیر از عتاب لن ترانی از پس حجاب جواب نمیآید پس در این صورت
از جانب این هیولای ناقابل کوشش بی حاصل و بی صورتی است - هم مگر لطف شما
پیش نهد گامی چند

تا که از جانب مهشوقه نباشد کشتی
کوشش عاشق بی چاره بجائی نرسد
القصه بدستور سال گذشته امسال نیز در مدت دو ماه هر چند ابواب مساعی بر رخ
تهیه اسباب مسافرت بصوب خدمت علیا مرتبت گشوده ام بی سعادت بی نظری بحب فرزندی و
مهر مادری راضی نگردیده ممانعت نمود ابو البصیر ما با سعادت که شهر یار مصر مساعدت
بود از بی طالعی در میان نبود پس ظاهر است که پسر با پدر خاک بر سر است چه عرضه دارد
که مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد - کز دست نخواهد شد پاپان شکیبائی
پس ای صاحب همه کس «یا من ناصبور را سوی خود از وفا طلب - یا تو که پاک دامن صبری از
خدا طلب - اگر چه از صبوری معارضه بادوری نیاید شکیبائی تاب مقاومت مشتاقی نیارد
که در مثال از پر پروانه شعله شمع رانگه داشتن و از پر نیان دم آتش سرکش گرفتن
است گفته اند

بصبر چاره هجرت کنم چه حرف است این
که پر نیان نکند شعله رانگه داری

ولکن چه چاره که در یک رشته عجب در سفته اند که

صبر کن ای دل که صبر سیرت اهل صفاست
چاره عشق احتمال شرط محبت وفاست
فالمامور معذور

بنشینم و صبر پیش گیرم
دنباله کار خویش گیرم

که الامور مهونة باوقاتها علی العجالة چند مسئله در نوشته علی حده صورت تحریر یافته بضمیمه عریضة المخالصة بمصحوب عالیجناب قدسی القاب زبدة الاطیاب قدوة الاحباب قرعین اولی الالباب عمدة العلماء العظام اسوة الفضلاء الکرام اعلام فهام مولانا ملاذ الاصدقاء آخوند ملا محمد علیا نوری سلمه الله تعالی ارسال خدمت داشته که از جانب افاضه جوانب آن مرشد کامل در کیفیت عمل در باب آنها اجازه و رخصت حاصل نماید اگر چه از غنائم ایام بملاحظه و مطالعه نسخه مرشد العوام در بعضی از آنها رأی آن مطاع الانام را دریافت نموده و عقدهای بسیار از برکت آن گشوده اند اما افاضه تازه را فائده بی اندازه است حقیقتاً مطلب از این در دسر و زحمت استناد در عمل برای قمر اعتلای آن سپهر مرحمت است همه گوشیم تا چه فرمائی

روا بود همه خوبان آفرینش را که پیش صاحب مادست در کمر گیرند
چه جای چون من بنده زشت بدسر زشت که نه دین و نه دنیا و نه امید بهشت - چون کافر مفلسیم و چون قحبه زشت - بعد از یاری حضرت باری به مدد کاری دوستان خدا علی الخصوص بدست یاری دعاه استعجابت انتهای آن صاحب دوستی در آن امیدواری حاصل سعدی مگر از خر من اقبال بزرگان عالم علوم ایک خوشه ببخشند که ماتخم نکشیم باری از الطاف آن ملاذ الاشراف چشم تمنا دارد که بزودی در ذیل هر یک از مسئله قلمی بمصحوب کس معتبری ارسال نموده که منت بر منت دوستدار مخالفت شعار افزوده خواهد شد به بعضی از جهات در این اوقات بسیار محتاج میباشد و چشم بر راه است اگر نسخه مرشد العوام صحیحی مقابله رسیده در نزد سر کار یافت شود و پر در کار نباشد بجهت مخلص خود بفرستید که عین مخلصان نزار است

دائم گل این بستان شاداب نمی ماند
دریاب ضعیفانرا در وقت توانائی

اگر چه از قراری که هسموع میشود دماغ آن صاحب دوستان نیز در این اوقات بسان باغ

کاپیتان اسکات

در شماره ۷۸۶ مجله ترقی زیر عنوان (فاتح قطب جنوب) قسمتی از فدا کاریهای سرادموندهیلاری بزرگترین کاشف قطبی معاصر که با کتشافات جغرافیائی مهمی نائل آمده توصیف شده است و ضمن آن از کاشف بزرگ انگلیسی کاپیتان اسکات یاد گردید. مقاله زیر که نوشته **دیل کارنگی** نویسنده بزرگ معاصر در شرح قهرمانیهای اسکات است بعنوان یاد آوری بیشتری از یک مرد با اراده و شجاع ترجمه گردید. جعفر خمایی زاده

من داستان شجاعانه تر باروح تر و همچنین تأثر آورتر از داستان کاپیتان روبروت فالکون اسکات دومین مردیکه به قطب جنوب دست یافت نمیدانم داستان اینکجه چگونه اسکات و دونفر همراهان او در ناحیه راس ROSS (۱) بامرگ غم انگیزی روبرو شدند هنوز قدرت آنرا دارد که مردم را تحت تأثیر قرار دهد خبر مرگ اسکات در یک بعد از ظهر آفتابی فوریه ۱۹۱۳ بانگلستان رسید. بته های گیاهان در ریجنس پارک (پارک عمومی لندن) شکوفه کرده بودند انگلستان طوری از این خبر نا راحت شد که از زمان مرگ نلسون (۲) در ترافالگار بیعدچنان ناراحتی بخود ندیده بود بعد از ۲۲ سال انگلستان باتشکیل یک موزه قطبی که اولین موزه قطبی جهان

-
- (۱) ناحیه ROSS ICEBARRIER در مدار ۸۰ درجه عرض جنوبی واقع است.
(۲) نلسون NELSON دریا سالار انگلیسی (۱۸۰۵ - ۱۷۵۸) فاتح جنگ های دریائی ابوقیرو ترافالگار.
-

خزان است امید که از نسیم عنبر شمیم گلستان غیبی لاریبی دماغ جان ایشان معطر بوده بواب فیوضات روحانیه و سعادات اخرویه بر رخ ذات ملکی ملکات آن مطاع آنافانا گشوده آید پریشانی ظاهری در ماده چون تو طاهری پر ظاهر است که دلیل بر جمعیت خاطر است زلف آشفته او موجب جمعیت ما است - چون چنین است پس آشفته ترش باید کرد زیاده مترقب ظهور تفقدات و توجهات با رسال تعلیقات و ارجاع خدمات یکچنین دلالات موجبه المباحات از جانب آن صاحب شریف المناقب میباشد الباقی ایامه العالی پس از این مقدمه آخوند ملاعلی مؤالائی نموده که چون مفصل است از ذکر آن خودداری میشود طالبین به کتاب جامع الشتات صفحه ۸۱۱ در باب «مسائل متفرقه» مراجعه نمایند (جواب مرحوم میرزا در شماره آئنده)